

هو الشاهد السامع المجيب

يا اباطالب مظلوم میفرماید الحمد لله فائز شدی بآنچه که سبب عزت شماسست در جمیع عوالم الهی این ذلت شما فخر عزت‌هاست و انشاء الله سجن شما و دوستان الهی علت و سبب حریت و آزادی اهل عالم است در همان ارض چهار ماه اینمظلوم تحت سلاسل و اغلال بود در حبسیکه شبه آن تا حال دیده نشده و قبل از آنهم در ساعات معدوده در سجن که محلّ حقیقی اصفیا و انبیا و اولیای حق بوده وارد شدیم حبس اول که ساعات معدوده باشد مدارا نمودند و حبس ثانی بکمال شدت و غضب و لکن در جمیع احوال مسرور بودیم و بکمال تسلیم و رضا صابر و ساکن یا طالب در سبیل الهی بر تو وارد شد آنچه بر مظلوم اشد از آن وارد قد اقتدیت به فی سبیل الله رب العالمین اگر جمیع اهل عالم لذت ذلت را در سبیل الهی بیابند جان و روان در تحصیل آن نثار نمایند زندگانی این ایام فانیه و الوان آن ناس را از ملاحظه عاقبت و استقبال منع نموده بشنو ندای دوست را بسبب ذلت خود ذلت از برای کسی مخواه مقام صابرین و شاکرین عظیم است جز حق معجو و جز او مخواه از مشیت خود بگذر و بمشیت الله ناظر باش ضع ما اردته و خذ ما اراده الله جلّ جلاله بلسان ظاهر و باطن بگو

يا الهی انا الذی اعترفت بوحدايتک و فردائيتک و اکون حاضراً بين يديک و نبذت مشيتی و ارادتی راجياً ما اردته بامرک المبرم مرادی انت و جنتی رضاتک اسئلک يا اله الاسماء و فاطر السماء بان تؤيدنی علی الاستقامة علی حبک علی شأن لا یمعنی غضب الامراء و لا شبهات العلماء ای رب فاکشف لهم کما کشفت لی ثم ایدهم علی الاقبال الیک و التوجه الی بحر فضلك انت الذی شهدت الذرات بعنايتک و رحمتک و رأفتک لا اله الا انت القوى الغالب القدير

انا نکبر من هذا المقام علی وجوه احبائی فيهناک و نبشّهم بفضل الله و عنایته و رحمته التي سبقت من فی السموات و الارضین و نوصيهم بما يرتفع به شأن الامر و مقاماتهم بين العباد طوبی لمن سمع و عمل و ويل للغافلین و نذکر امائی کلّهن اللّائی سمعن التداء و آمنن بالله الفرد الخبير کذلک نطق لسان عظمتی فی هذا المقام الذی طافه الملاء الاعلی و اهل ملکوت الاسماء و الذین نبذوا الاوهام و فازوا بکوثر الايقان من ایدای عطاء ربهم البازل الغفور الکریم يا اباطالب علیک بهائی و علی اولیائی و اصفیائی الذین عملوا بما امروا به فی کتاب الله العزيز الحكيم